

نقش پلیس در پیشگیری از آسیب های اجتماعی و جرایم با نگاهی تطبیقی بر حقوق انگلستان و فرانسه

اشکان فامیل مدبران^۱، رضا نیکخواه سرنقی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی از دانشگاه سراسری ارومیه

^۲ استادیار هیات علمی حقوق بین الملل دانشگاه سراسری ارومیه

نویسنده مسئول:

رضا نیکخواه سرنقی

چکیده :

زمینه و هدف تدوین مقاله :

پلیس جامعه محور و امنیت مدار در پیشگیری از بروز آسیب های اجتماعی نقشی پویا و سازنده دارد . رویکرد همسو با این مطالعه موردی بر این اساس استوار است که موضوع نظم و امنیت اجتماعی ، مفاهیمی بنیادین و عمومی و از نیاز های اساسی و اولیه زندگی بشری به شمار میروند. از طرفی بررسی و مطالعه ابعاد و جنبه های پیشگیری و تبیین و آرایه تقسیم بندی های بکار گرفته شده در این عرصه ، به نقش و تاثیر سیاست ها و برنامه های مبتنی بر محوریت جامعه و به طور کلی جامعه محور در کاهش وقوع جرم تاکید دارند و در این زمینه مشارکت فعال و سازنده مردم با پلیس ، تاثیر مثبت و فزاینده ای در پیشگیری و کاهش میزان جرم خواهد داشت .

بنابراین هدف از مطالعه تطبیقی حاضر بررسی و تبیین نقش پلیس جامعه محور در پیشگیری اجتماعی از جرم و کمک به اصلاح بافت آسیب دیده جامعه از طریق آموزش همگانی و فعال با نگاهی به راهکار های سازنده آرایه شده توسط کشور های پیشتاز در این عرصه می باشد . این پژوهش از حیث نوع تحقیق ، کاربردی و از حیث روش تحقیق (تاریخی تطبیقی اسنادی) است . در ادبیات و مباحث نظری ، اطلاعات از طریق فیش برداری از کتب ، مقالات ، نشریات معتبر لاتین و قوانین معتبر داخلی و خارجی بهره برده شده است .

یافته ها و نتیجه گیری :

موثرترین راهکار های پیشگیری از جرم در جامعه ، آنهایی هستند که مطابق با ویژگی های جغرافیایی ، فرهنگی ، اقتصادی و اجتماعی جامعه مورد نظر به کار گرفته میشوند . بنابراین ، گزینش راهکارها و تاکتیک های پیشگیری از جرم در بافت جامعه ، می بایست پس از مشاهده مستمر الگوهای رایج مورد استفاده در جامعه و در ارتباط نزدیک با خود جامعه صورت بگیرد .

تجارب حاصل از این مطالعه دو درس بزرگ به ما می دهند :

اول اینکه تغییر طرح فیزیکی، تغییرات مدیریت و تغییرات متداول باید متناسب با مکان های خاص بوده و در امر برنامه ریزی و اجرا نیز هماهنگ باشند . ثانياً موثرترین اقدامات امنیتی و پیشگیری از جرم آنهایی هستند که افراد مختلفی در آن برای تشریح مشکل و یافتن راه حل های موجود باهم همکاری می کنند. پیشگیری از جرم اقدامی نیست که تنها یک عامل در آن کارساز باشد و اینکه شاید برخی جوامع بیش از سایرین برای ایجاد راهکارهای موثر به توجه و ابتکار عمل نیاز داشته باشند ، نه تنها بر اهمیت تحلیل کلی مشکلات و نیازهای یک جامعه فرضی بلکه بر نظارت و ارزیابی موجود بر راهکارهای انتخاب شده در بافت جامعه هم باید تاکید کرد .

کلید واژه : پلیس امنیت مدار ، پیشگیری ، حقوق فرانسه ، امنیت اجتماعی ، پیشگیری از جرم ، حقوق انگلستان

مقدمه :

تعاریف پیشگیری از جرم :

پیشگیری در منابع و مآخذ فارسی به معنای رفع ، جلوگیری ، مانع شدن و از پیش مانع چیزی شدن تعریف شده است . اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از اتفاقات بد و ناخواسته و ((جلو بستن)) نیز معنا شده است . (فرهنگ معین ، ۱۳۷۵؛ ۹۳۳)

مداخله نظام کیفری و اعمال مجازات، تشریفات دادرسی قضایی و حضور پلیس در جامعه بی تردید در پیشگیری از جرم نقش دارد، اما این پیشگیری کیفری ناشی از عبرت آموزی مجازات هاست حال آنکه در پیشگیری، اقداماتی مدنظر است که قبل از وقوع جرم به کار گرفته می شوند.

پیشگیری از جرم شامل مجموعه ای از تدابیر و راهبرد های جنایی را شامل میشود که گاهی ممکن است به صورت قهر آمیز و یا غیر قهرآمیز برای پیشگیری یا جلوگیری از جرم و یا تکرار جرم اتخاذ شود . به کار بردن روش های احتیاطی و کنترل و اقدامات پیش گیرانه در جلوگیری از ابتلای انسان به اختلال و ناهنجار ها ، پیشگیری است . (فلاح ؛ بابایی ؛ ۱۳۸۲)

به عبارت دیگر هر عملی که باعث کاهش بزهکاری ، خشونت ، ناامنی از طریق مشخص و حل کردن عوامل ایجاد کننده این مشکلات به روش علمی شود ، پیشگیری از جرایم است . (رجبی پور ؛ ۱۳۸۳؛ ۵-۱۷)

برنارد بولک حقوقدان فرانسوی کارکرد های ضمانت اجراهای کیفری را به کارکردهای اخلاقی و فایده مند تقسیم می کند و ویژگی هایی چون بازدارندگی، اصلاح و بازپروری، ناتوان سازی و شرمساری بازدارنده را از نقش های ضمانت اجراهای کیفری به شمار می آورد. (بولک؛ ۱۳۸۲ : ۳۹-۳۵)

در تعریف دیگری ، روگوسون ، پیشگیری از جرم را تدابیری میداند که در راستای حفاظت شهروندان از تجاوز به حیطه خصوصی و تهدید هویت آنها فراهم می آورد .

گسن (استاد دانشگاه آکسی مارسی فرانسه) نیز اعتقاد دارد که : پیشگیری ، مجموعه اقداماتی است که به جز اقدامات کیفری ، هدف غایی آن منحصر و یا به صورت جزئی ، محدود کردن دامنه ارتکاب جرم ، غیر ممکن کردن ، مشکل و کم کردن احتمال وقوع جرم است . (بیات ، شرافتی پور ، عبدی ، ۱۳۸۷؛ ۲۲)

دیدگاه پیشگیری از جرم به طور وسیع ، حوزه ای تخصصی است و این حوزه مطمئناً چالشی برای متخصصان ، محققان و سیاست گذاران است . (اکبلوم ، ۱۹۹۶؛ ۸۷)

پیشگیری در مفهوم واکنشی یا پیشگیری کیفری یکی از ابزارهای سیاست جنایی برای کنترل جرم است که اصولاً در انحصار دولت قرار دارد و به جامعه مدنی واگذار نمی شود و دولت ها با جرم انگاری رفتارهای نقض کننده نظم عمومی و پیش بینی کیفرهای گوناگون برای این رفتارها به مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از جرم می پردازند. در حالی که یکی از ویژگی های جرم شناسی پیشگیرانه این است که دولت ها و بخصوص نهادهای آمرانه آن مانند دستگاه قضایی نقش چندانی در اعمال برنامه های پیشگیرانه ندارند.

در کنار پیشگیری کیفری یا واکنشی، نوع دیگری از پیشگیری تحت عنوان پیشگیری کنشی یا غیر کیفری که در بردارنده تدابیر و شیوه های گوناگونی است که برای جلوگیری از بزهکاری در بیرون از نظام کیفری به کار می روند؛ این مفهوم از پیشگیری شامل مجموعه اقدام هایی است که برای جلوگیری از وقوع جرم و مهار بهتر بزهکاری از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیطی، فیزیکی، فرهنگی و اقتصادی صورت می گیرد و همچنین این اقدامات ناظر به قبل از ارتکاب جرم است و امروز تحت عنوان جرم شناسی پیشگیرانه مورد بحث قرار می گیرد .

این نوع نگرش نسبت به پیشگیری نخستین بار توسط انریکو فری از پیشگامان مکتب تحقیقی- اثباتی مطرح شد. فری معتقد بود 'محیط اجتماعی باید به گونه ای سازمان داده شود که پیشگیری از وقوع جرم در آن ملحوظ باشد. (پرادل ، ژان ، ۱۳۸۱ ؛ ۶۴-۶۵)

از نظر تاریخی، روش های پیشگیری از جرم از طریق گزینه هایی چون افزایش مجازات و یا اصلاح مجرمان ، اصلاح شرایط اقتصادی و اجتماعی مجرم یا دشوار کردن دستیابی به هدف صورت گرفته است .

در این خصوص میتوان در قالب دو روش کلی جمع بندی کرد :

یکی تاکید بر مجرم و دیگری تاکید بر محیط . اتخاذ این رویکرد ها به هیچ وجه به قصد به حداقل رساندن گرفتاری های قربانیان نیست بلکه ، دلایل و توجیهات معقول و کافی وجود دارد برای اینکه نشان دهیم محیط های فیزیکی نزدیکی با آزار و اذیت و قربانی کردن دیگران دارند و این نکته ای است که در رویکرد زیست محیطی یا رویکرد های روانشناسی اقتصادی و اجتماعی به طور شایسته ای در نظر گرفته میشود .

به علاوه ، چون قربانیان میتوانند به عنوان اهداف جرم در نظر گرفته شوند ، آنها در نظریه و عمل پیشگیری مکان بنیاد از جرم اهمیت بسیار دارند . در حالی که میتوان گفت پلیس در هر دو رویکرد متمرکز بر محیط و متمرکز بر جرم نقش دارد ، نقش پلیس به عنوان عامل پیشگیری زیست محیطی از جرم در دهه های اخیر به نحو فزاینده ای در نظریه و عمل مشاهده شده است . بنا به سنت ، بر وظایف پلیس در زمینه تحقیق و بررسی و دستگیری و بازداشت تاکید بسیار شده است (NCPI ۱۹۸۶) .

قوانین ملی اخیر در هر دو کشور آمریکا و بریتانیا از جمله قانون پیشگیری از جرم در آمریکا (۱۹۹۴) که به تاسیس خدمات پلیس اجتماعی منجر شد و قانون مبارزه با بی نظمی و جرم (۱۹۹۸) در بریتانیا که بر رابطه بین روش های پلیسی و محیط فیزیکی و اجتماعی بسیار بیش از گذشته تاکید کرده است نمونه های بارز این گرایش هستند .

در حالی که شواهد بسیاری برای حمایت از استفاده از هر دو روش مبتنی بر محیطی و مبتنی بر مجرم در طرح راهبردهای پیشگیری از جرم وجود دارد ، تفکر دیگری وجود دارد مبنی بر آنکه راه حل های ارایه شده در هر دو رویکرد میتواند آثار منفی و ناخواسته ای داشته باشد و در نتیجه نیاز به روش های تجربی جدید وجود دارد .

اهداف تحقیق :

هدف اصلی : بررسی نقش پلیس در پیشگیری از آسیب های اجتماعی و جرایم با نگاهی تطبیقی بر حقوق انگلستان و فرانسه

اهداف فرعی :

الف) تبیین و بررسی راهبرد ها و شیوه های پیشگیری از جرم در کشورهای پیشتاز در این عرصه

ب) تبیین و بررسی نقش و جایگاه عوامل محیطی و فرهنگی در پیشگیری از جرم

پ) تبیین و بررسی بافت شهری و جغرافیایی و سایر عوامل احتمالی دخیل در ارتکاب جرم و راهکار های پیشنهادی پیشگیری از وقوع جرم

ت) نقش پلیس جامعه مدار و جامعه محور در پیشگیری از وقوع جرم و تاثیر همکاری متقابل اعضای جامعه با پلیس در کاهش روند امکان ارتکاب جرم

ث) شناسایی و تبیین اساسی ترین عوامل احتمالی دخیل در وقوع جرم و ایجاد معضل اجتماعی

پیشینه تحقیق :

به نظر می رسد در ایران تدابیر اتخاذ شده در زمینه پیشگیری از جرم ، بیشتر از جنس پیشگیری وضعی باشد . در این خصوص در ایران تحقیقات معدود و اندک شماری مطرح شده است و تا حدودی در کشور های پیشرفته از قبیل انگلستان مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است . در این خصوص به اختصار مقالاتی که در این موضوع کار شده بیان می شود :

محمد نسل (۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان (رویکردهای پلیسی برای پیشگیری از جرم) به این موضوع میپردازد که نقش پلیس در پیشگیری از جرایم ، به عنوان مهمترین نهاد اجرایی پیشگیری از جرم به شمار می رود . در این مقاله رویکرد اصلی پلیس برای پیشگیری از جرم به همراه راهکار های اجرایی در این زمینه ذکر شده است .

مؤلف در این مقاله اینگونه نتیجه می گیرد که فهم و اطلاع از راه ها و رویکرد های پلیسی پیشگیری از جرم بسیار سودمند به حال اجتماع و بافت اجتماعی است و در ادامه متذکر می شود که هنگامی این راهکار و رویدادهای تبیین شده می تواند سودمند و مفید واقع شود که به مؤلفه های اصلی در این زمینه مانند نحوه بومی سازی راهکار های بیان شده و تناسب داشتن راهکار ها با فرهنگ متداول و جاری جامعه توجه شود و همچنین به تجهیزات و امکانات پلیس در این عرصه هم باید توجه و دقت لازم بشود .

مایکل تونری و دیوید فارینگتون (۱۹۹۵a) در مقاله خود با عنوان ((ایجاد جامعه ای امن تر ؛ رویکرد های راهبردی به پیشگیری از جرم)) بر این باورند که ایده های زیادی برای طبقه بندی برنامه های پیشگیری از جرم وجود دارد و می گویند یک برنامه کارآمد شامل چهار راهبرد اساسی است : پیشگیری رشد مدار ، به معنای مداخلاتی که با هدف جلوگیری از پیشرفت ظرفیت مجرمانه افراد ، با تکیه بر ریسک و عوامل حمایتی ، طراحی شده اند ؛ پیشگیری اجتماعی ، به معنای مداخلاتی که با هدف تغییر شرایط و نهادهای اجتماعی طراحی شده اند (به عنوان مثال ، خانواده ، همسالان ، هنجارهای اجتماعی ، باشگاه ها ، سازمان ها) ؛ پیشگیری وضعی ، به معنای مداخلاتی که به منظور جلوگیری از وقوع جرم از طریق کاستن از فرصت ها و افزودن بر خطرات و دشواری های ارتکاب جرم طراحی شده اند ؛ پیشگیری در درون نظام عدالت جنایی ((پیشگیری از طریق ابزارهای نظام عدالت جنایی)) ، یعنی همان اقدامات و سیاست های مبتنی بر بازپروری ، سلب توان بزه کاری و بازدارندگی سنتی که در چارچوب قانون و به وسیله عوامل نظام عدالت جنایی به اجرا در می آید .

یکی از پژوهشگران امور اجتماعی ایالات متحده آمریکا به نام (پاول لاوراکاس) در یکی از آثار خود که اواسط دهه ی ۱۹۸۰ منتشر نمود بر این باور بود که : ((تا زمانی که سیاست های عمومی کشورها مبنی بر اینکه پلیس، دادگاه ها و زندان ها ، به تنهایی می توانند ساز و کار اصلی کاهش جرم در جامعه باشند ، تغییر پیدا نکند ، میزان غم انگیز بزه دیدگی که شهروندان امروزه با آن دست و پنجه نرم می کنند همچنان افزایش پیدا میکند.)) لاوراکاس معتقد بود که : ابزارها برای مقابله با جرم ، نهادهای عدالت جنایی ، است ؛ بنابراین نباید انتظار داشت که صرفا این نهاد ها به تنهایی و بدون همکاری متقابل فرد فرد جامعه بتوانند به پیشگیری از جرم کمک کنند .

مک کنزی (۲۰۰۶) بر این باور است که : پیشگیری از جرم بهترین رویکرد جایگزین برای کاهش جرم است که خارج از چارچوب عدالت جنایی رسمی جریان پیدا می کند . راهبردهای رشد مدار ، اجتماعی و وضعی در واقع قلمروی این پیشگیری را تعیین می کنند .

ریچارد ترمبلی و وندی کریچ (۱۹۹۵) در مقاله ای تحت عنوان ((بررسی کلاسیک و فراگیر پیشگیری رشد مدار از جرم)) بر اهمیت اتخاذ یک راهبرد مهم برای پیشگیری از بزه کاری و ارتکاب جرم تاکید کرده اند . این اثر همچنین سه خصیصه اصلی یک برنامه پیشگیری رشد مدار را معرفی کرده است : ۱- این برنامه برای مدت زمان مناسب که حداقل آن یکسال است تداوم دارد . ۲- این برنامه مدل های متعددی دارد به این معنی که عوامل ریسک مختلف با راهکار های گوناگون مورد بررسی قرار می گیرد . ۳- زمان اجرای این برنامه ها پیش از دوران بزرگسالی فرد است .

شین جانسون ، راب تی . گرت و کیت جی باورز در مقاله ای با موضوع پیشگیری از جرم معتقد بودند که : انتشار مزایای پیشگیری در جامعه به همان اندازه ی احتمال جا به جایی جرم ، مفید و سودمند است .

دوريس ليتون مک کنزی در مقاله خود با عنوان ((کارآیی درمان های اصلاحی)) بر این باور است که باید از تمرکز بر رویکرد های عدالت غیرکیفری و جایگزین به سوی پیشگیری از جرم تغییر مسیر دهیم .

وروایی و بهیر (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان ((اثربخشی الگوهای پلیس سنتی و نوین در پیشگیری از جرم)) الگوهای حاکم بر پلیس سنتی را که بیشتر در زمینه ی خدمات رسانی است با الگو های حاکم بر پلیس نوین که بیشتر مبتنی بر انجام امور پلیسی مساله محور ، جامعه محور و انجام امور پلیسی در نقاط جرم خیز است ، بررسی و تبیین میکند . نویسندگان این مقاله بر این باورند که دید سنتی پلیس نسبت به جرم تاثیر قلیلی در پیشگیری از جرم دارد و باید نگاه نیروی پلیس به اثربخشی الگوهای مبتنی بر پیشگیری از جرم و اصلاح و بازپروری متمرکز باشد .

مبانی نظری :

اقسام پیشگیری از جرم :

پیشگیری از جرم به پیشگیری رشد مدار ، پیشگیری اجتماعی ، پیشگیری وضعی تقسیم شده است که هریک از این مفاهیم سه گانه دارای زیرشاخه های متنوعی است .

الف) پیشگیری رشد مدار : برخی پژوهشگران ، اصطلاحات ((رشد مدار)) و ((طول زندگی)) را مترادف با یکدیگر فرض میکنند . این اصطلاحات اشاره به نظریه هایی دارند که بزهکاری را در خلال مراحل زندگی مورد بررسی قرار میدهند . با این وجود ، شمار دیگری از پژوهشگران ، این دو اصطلاح را به شیوه ای فنی تر بکار میبرند تا نشان دهند که رویکرد های ((رشدمدار)) و ((طول زندگی)) با یکدیگر متفاوت هستند . فرض نظریه های رشد مدار آن است که افراد در مسیر های قابل پیشبینی رشد کرده و پرورش یافته اند . بیشتر نوجوانان ، به شیوه ای متعارف و بهنجار رشد میکنند ؛ اما شماری نیز به سوی ارتکاب جرم هدایت میشوند .

نظریه های رشدمدار و طول زندگی در خصوص بزهکاری ، به صورت فزاینده ای در طول دو دهه گذشته ، به وجود آمده اند . هم اکنون کاملاً روشن است که برای فهم علل بزهکاری و به ویژه انحرافات پایدار و مزمن ، باید به بررسی های تجربی و نظری درباره این مساله پرداخت که افراد در مراحل مختلف زندگی چگونه درگیر فعالیت های مجرمانه شده و یا از این قبیل افعال دوری میکنند . (فارینگتون ، ۲۰۰۵ ؛ تورن بری و کرون ، ۲۰۰۳)

بیشتر بزهکاران تا پیش از بازداشت و فراخوانده شدن به دستگاه عدالت جنایی ، اقدامات حمایتی اندکی دریافت میکنند . (استات هامر ، لوبر و همکاران ، ۱۹۹۵)

حتی در این زمان (یعنی پس از بازداشت و ورود به فرایند رسیدگی کیفری) نیز میتوان با بهره گیری از برنامه های اصلاحی و بازپرورانه ، مسیر مجرمانه آنها را هم تغییر داد . هم اکنون دانش ما در این خصوص که چگونه باید به صورتی موثر با بزهکاران خطرناک جوان و بزرگسال رفتار نمود ، در حال رشد است . (مکنزی ، ۲۰۰۶ ؛ اندرو و بونتا ، ۲۰۱۰)

نظریه های رشد مدار ، منطقی قانع کننده را تداعی میکنند که مبتنی برآن ، برای جلوگیری از رشد مجرمانه نباید منتظر بالغ شدن بزهکاران حرفه ای بود . بلکه پیش از آغاز حرکت و درست زمانی که در حال یادگیری و کسب تجربه است و یا حداقل زمانی که هنوز مقدار زیادی از مسیر را طی نکرده است ، باید وارد عمل شد و همانگونه که فارینگتون و وِلش تاکید میکنند باید کودکان در معرض ریسک را از همان ابتدا با اقدامات حمایتی یاری کرد.(۲۰۰۷ ، ص . ۱۵۹)

ب) **پیشگیری اجتماعی** : پیشگیری اجتماعی را می توان نسل حقوق بشری پیشگیری از جرم دانست که در بستر نظریه های انتقادی جرم شناسی متولد شده است (ابراهیمی؛ ۱۳۹۰ : ۱۵۰). اندیشه بهره جستن از پیشگیری اجتماعی نخستین بار توسط انریکو فری مطرح گردید وی بر این باور بود که تدابیر اجتماعی جایگزین کیفرها بهتر و اثرگذارتر از مجازات جلوی بزهکاری را می گیرند(گسن؛ ۱۳۷۰ : ۳۰۶). از نظر جرم شناسی، پیشگیری اجتماعی از جرم مبتنی بر علت شناسی جرم است؛ یعنی پیشگیری اجتماعی از جرم مستلزم قبول این واقعیت است که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند و عوامل اجتماعی باید این عوامل جرم زا را خنثی کنند. پیشگیری اجتماعی یعنی مداخله در محیط اجتماعی عمومی، مانند محیط های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و محیط اجتماعی شخصی مانند محله، خانواده، مدرسه و ... (نجفی ابرنآبادی؛ همان : ۷۶۰). به عبارت دیگر پیشگیری اجتماعی به دنبال متوقف کردن و ایجاد تحول در شرایط و اوضاع و احوالی است که فرد را به سوی جامعه ستیزی و ارتکاب جرم سوق می دهد. این پیشگیری با ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی است و در صدد آن است که اعضای جامعه را از طریق آموزش، تشویق و تنبیه با قواعد و هنجارهای اجتماعی آشنا و همنا کند.

پیشگیری اجتماعی به دنبال کاهش یا از بین بردن علت های فردی یا اجتماعی اثرگذار بر بزهکاری است. پیشگیری اجتماعی یک پیشگیری کنشی فردمدار است بدین صورت که با بهره گیری از تدابیر اقدام های پیشگیرانه درصدد شخصیت سازی و اثرگذاری بر فرآیند شکل گیری شخصیت افراد است (نیازپور؛ -۸۲).

پیشگیری اجتماعی مربوط به عوامل جرم زاست از این رو برنامه های این نوع پیشگیری به صورت دو مرحله ای انجام می گیرد به این صورت که در مرحله اول اقدام به شناسایی عوامل جرم زا می کند و در مرحله دوم شروع می کند به ساماندهی اقداماتی که هدفشان هدایت کردن آثار این عوامل از طریق خنثی کردن و کنار زدن آنهاست. این پیشگیری بدین جهت پیشگیری اجتماعی نامیده شده است که نتیجه تجربه های اجتماعی بدون مداخله بخش های پلیس و دادگستری برای مبارزه با ناسازگاری جوانان بزهکار و محیط آنهاست (ریموند، گسن-۱۳۷۰-۱۰۱).

پ) **پیشگیری وضعی** : پیشگیری وضعی، ایجاد تغییرات در اوضاع و احوال خاصی است که انسان متعارف در آن ممکن است مرتکب جرم شود؛ به دیگر سخن تدابیری که فرصت ها و مناسبت های ارتکاب جرم را کاهش می دهد به عنوان مثال جاذبه زدایی از سیل جرم، بالا بردن هزینه ارتکاب جرم، سخت کردن ارتکاب جرم و خطرناک کردن آن است (نجفی ابرنآبادی؛ همان : ۲۷).

انسان ها همواره برای محافظت از خود تلاش کرده اند که با استحکام بخشیدن حریم زندگی خود و خانوادشان را از انواع تهدید ها و خطرات حفظ کنند . این تلاش ها نه فقط از سوی افراد بلکه از طرف حکومت ها نیز همواره در طول تاریخ برقرار بوده است . کندن خندق ها ، کشیدن حصار دور شهر ها ، ساخت برج و باروها ، پنهان کردن مال و اموال در گنج نامه از قدیمی ترین شیوه های پیشگیری از بروز حوادث و جرایم است . در جرمشناسی یکی از انواع پیشگیری ، پیشگیری وضعی است که در طی آن به جای توجه به شخص ، بر موقعیت و وضعیت محیط ارتکاب جرم تمرکز دارد . (بیات ، ۱۳۸۶)

هدف اساسی از این نوع پیشگیری مبتنی بر این تئوری است که تنها جنبه درونی شخصیت افراد نیست که محرک بروز رفتارهای مجرمانه است بلکه محرک های محیطی وقتی که در کنار یکدیگر قرار میگیرند ، میتوانند عامل بسیار قوی بر تحریک فرد به ارتکاب جرم باشند . بنابراین اقدامات پلیس معمولاً از طریق توجه به روش ها و تکنیک های پیشگیری وضعی صورت میگیرد . به عنوان مثال پلیس از طریق نصب و راه اندازی دوربین های مخفی ، هشدار دهنده ها و سد کردن خیابان ها ، تشدید فرامین و قوانین و محدودیت های بکارگیری آلات و ادوات مجرمانه (مثل سلاح سرد)، کنترل تشدید ورودی ها و خروجی ها تلاش میکند تا مانع از بروز جرم شود . (ستوده ، ۱۳۸۱)

۲- پیشگیری از جرم با مجازات مجرمین :

شاید به جرات بتوان گفت که سنتی ترین روش اجتماعی پیشگیری از جرم ، مجازات باشد . در حالی که این حکم در انجیل که توصیه میکند : یک چشم در مقابل یک چشم و یک دندان در مقابل یک دندان ... مدتها به عنوان یک رویکرد موثر در پیشگیری از جرم مورد حمایت بوده است ، تاثیر بازدارنده آن هم قرن های طولانی است که مورد بحث است . به عنوان مثال ، والر (۲۰۰۰) گزارش میدهد که در چهار دهه بین سالهای

۱۶۸۰ و ۱۷۲۰ تعداد جرم‌هایی که منجر به مرگ در انگلستان شده بود از ۸۰ به ۳۵۰ افزایش یافت . به علاوه جرایم زیادی نیز بودند که هیچکس به طور قطع نمیتوانست مطمئن باشد که میتوان مجرم را به خاطر آن اعدام کرد یا خیر . بهر حال کسی نیست که متوجه این مطلب نشده باشد که سختگیری قانون نسبت به مجرمین علیه اموال تاثیر چندانی بر پیشگیری از روند رو به رشد جرایم نداشته است . همانگونه که ((سزار دو سوسور)) گفته : اعدام ها در لندن فراوان و معمول هستند . با وجود این تعداد حیرت انگیزی دزد در این کشور وجود دارد . آنها میتوانند در سه طبقه دسته بندی شوند : راهزنان ، دله دزدها و جیب برها ، که همگی بسیار جسور و نترس هستند . (برونوفسکی ، ۱۹۷۳)

نظریه پردازان سنتی جرم در قرن ۱۸ عمدتاً توجهی به این مشاهدات نداشتند . از جمله ، فیلسوف نامدار طرفدار اصالت فایده ، جرمی بنتهام ، معتقد بود که اثر بازدارنده ترس از جرم بهترین ابزار پیشگیری از جرم است . (هربرت هارت ، ۱۹۶۸) . اصول اولیه و اصلی این ایده این بود که مجرمین ، عقلایی و خارج از اراده آزاد رفتار میکنند و قصد از مجازات به کیفر رساندن جرم است و نه مجرم . با تلاش و کوشش هایی که برای حمایت از حقوق متهم و استاندارد کردن مجازات ها ، اصول اخلاقی و قانونی ناظر بر این رشته از نظریه های آغازین و ابتدایی جرمشناسی بود . (میشلسون ، ۱۹۷۶)

در عین حال که باید این نظرات و عقاید را تحسین کرد ، در کارایی مجازات به عنوان روشی کارآمد برای پیشگیری از جرم باید در آن تردید کرد . رییس پلیس شهر سالت لیک در ایالت یوتا بیان کرده که (من بیش از آن تعدادی که بتوانم بشمارم افراد را زندانی کرده ام اما به نظر نتیجه ای تا به حال دربر نداشته است . (کالهن ۲۰۰۰) .

تعداد مجرمان با سابقه زندان در همه جای جهان بسیار بالاست (چیزی در حدود بیش از پنجاه درصد) در بسیاری از مناطق جهان با وجود سرمایه گذاری های قابل ملاحظه در زمینه اعمال قانون ، پیگرد قانونی ، دادگاه ها و زندان ها ، از دهه شصت به بعد افزایش میزان جرایم ادامه داشته است . این وضعیت به یک جستجوی پنهانی برای اتخاذ رویکردهای نو و جایگزین تبدیل شده است . (کمیسیون سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری ، ۱۹۹۹ ، صص ۵-۶) .

۳- پیشگیری از جرم از طریق درمان و بازپروری :

مفهوم پیشگیری از جرم از طریق درمان ، ریشه در مکتب جرمشناسی اثبات گرا دارد که در اوایل دهه ۱۸۰۰ ایجاد شده و خود متأثر و رهنمود گرفته از تجربه گرایی انگلیسی و جبرگرایی داروینی و مفهوم جبر اوگوست کنت است . (جفری ، ۱۹۷۷) . این مفهوم نه بر جنبه های اخلاقی و قانونی جرم و مجازات (که اثبات گرا ها آن را رد کرده اند) بلکه بر جنبه های اجتماعی ، روانشناختی و زیستی جرم متمرکز میشود . به طور خلاصه ، این مفهوم یک شیوه (علمی) کنترل جرم است . مدافعان و حامیان این روش بر روی مجرم متمرکز شده اند نه بر روی جرم ؛ با این امید و انتظار که از طریق درمان ، مجرم را به زندگی عادی برگردانند . در این طرح بهترین راه برخورد با جرم ، (درمان) مجرم است و نه مجازات او . این شیوه در نهایت منجر به شکل گیری مفهوم مدرن نظام اصلاحی (بازسازی و بازپروری و اصلاح و بازگرداندن مجرمین به جامعه) شد . (دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد ، ۲۰۱۶ ، میزان) .

این نظریه به طور غیرمستقیم مکتب اجتماعی جرمشناسی را که در دهه ۱۹۲۰ در ایالات متحده به وجود آمد ، تحت تاثیر قرار داد و همچنین نشان داد که برای پیشگیری از جرم ، درمان نسبت به مجازات راه بهتری است . به هر صورت در این مدل که به طور گسترده به وسیله نظریه پردازان دانشگاه شیکاگو بسط داده شده اصلاح محیط اقتصادی و اجتماعی مجرمین ضروری بود ؛ چرا که علل اساسی و ریشه ای جرم از نارسایی و ضعف در این محیط ها ناشی میشد . (پارک و دیگران ۱۹۲۵ ؛ شاو ، ۱۹۶۹) .

مقررات جاری در ایران در ارتباط با موضوع پیشگیری از جرم :

مهمترین مقرراتی که در ایران به نوعی به پیشگیری از جرم مربوط می شوند عبارتند از :

قانون برنامه نخست و چهارم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی مصوب سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۸۳

قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی مصوب سال ۱۳۸۳

آیین نامه پیشگیری از اعتیاد ، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر مصوب ۱۳۷۶

قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶

قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹

ماده یک قانون تاسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲/۵/۲۷

ماده ۱۳۰ اصلاحیه آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۸۱/۰۶/۱۷ هیات وزیران

ماده یک قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور مصوب ۱۳۶۲/۰۶/۰۸

راهبرد های پیشگیری جامعه محور و سیاست های اجرایی در انگلستان :

تفاوت ها در جامعه بریتانیایی نه تنها بین مناطق شهری و روستایی و بین نواحی از لحاظ اقتصادی جذاب و یا نواحی کمتر جذاب بلکه ناشی از طبیعت تقسیم بندی شده بسیاری از مناطق شهری است که در آن ، محله های نسبتا فقیر به تناوب در کنار محله های نسبتا ثروتمند قرار دارند و این واقعیت نشان دهنده ی نیاز و همینطور امکان واکنش های مختلف نسبت به مسایل مربوط به پیشگیری از جرم است . بنابراین با اقدامات بسیار متنوعی در بریتانیا مواجه می شویم و بدون دسترسی به اطلاعات مفصل پژوهشی ، نمی توان درباره آنها قضاوت کرد .

پژوهش مهمی درباره این موضوع در اوایل دهه ۱۹۹۰ توسط رابسون و دیگران (۱۹۹۴) انجام شد ؛ این پژوهش بخشی از پروژه ارزیابی تاثیرگذاری اقداماتی است که تا کنون تحت عنوان ((سیاست های کلان پیشگیری از جرم)) صورت گرفته است . در این مطالعه از ۱۲۹۹ نفر از ساکنان ۱۵ منطقه مختلف گریت منچستر ، مرسی ساید و تاین و ویر ، خواسته شد تا بیست متغیری را که براساس اهمیتشان در کیفیت زندگی در منطقه رتبه بندی کنند.

نتیجه حاصله این بود که جرم خشونت بار نگران کننده ترین موضوع برای ساکنان محلی بود و اینکه جرم غیر خشونت بار که رتبه چهارم فهرست را دارا بود ، بالاتر از عواملی نظیر کیفیت مسکن ، کیفیت محیط و بیکاری محلی قرار داشت .

نقش پلیس در بافت اجتماعی جامعه :

تیلی (۱۹۹۲) استدلال می کند که برنامه هایی که در این کشور در پیش گرفته شده است نه تنها از لحاظ فیزیکی و اجتماعی بلکه از لحاظ سه سطح جلوگیری از جرم نیز می توان مورد توجه قرار داد: اجرای اقدامات اجتماعی جدید ، گنجانیدن اقدامات بالقوه جدید و مرتبط و بررسی مجدد الگوهای موجود .

طبیعت گسترده مداخله های اجتماعی در این سطح سوم را (تیلی) بزرگترین فرصت برای پلیس می داند ، تا بجای اینکه عمدتا بر وظایف خودشان متمرکز شوند شروع به تهدید راهبردهای سازمان های دیگر بکنند . اگرچه می توان در این مورد گفت که برنامه ، کار را گسترش می دهد ، بی آنکه کانون تمرکز را دقیق و مشخص کند.

منتقدان عملیات پلیس بدون شک با طرح این نکته که در بعضی بافت های محلی ، رویکرد پلیس می تواند بیشتر بر مشکل بیافزاید تا اینکه آن را حل کند به این مباحث دامن زده اند . برای مثال ، لی و یانگ (۱۹۹۳) اما اولین بار در ۱۹۸۴ چاپ شد) استدلال میکنند که عمل پلیس در شهرهای بزرگ به طور ضمنی آن شهرها را به بخش های (محترم) و (غیرمحترم) تقسیم کرده است که نتیجه آن ، اعمال روش های پلیسی متفاوت است : یکی در مرکز شهر بر اساس زور و اعمال فشار ، دیگری در حومه شهر و بخش شیک شهر بر اساس اجماع و اتفاق نظر .

به نظر آنها تعجبی ندارد که ساکنان مناطق درون شهری نسبت به شیوه اول که لی و یانگ آن را ((روش پلیسی نظامی)) می نامند ، واکنش منفی نشان بدهند در حالی که شیوه دوم ، که آنها آن را ((روش پلیسی مبتنی بر اتفاق نظر)) می نامند ، یک واکنش بسیار مثبت تر را شامل می شود .

موضع گسترده در بریتانیا تا اواخر دهه ۱۹۹۰ که خود را برای دور جدیدی از برنامه های مشارکتی آماده می کرد که در قانون (جرم و بی نظمی سال ۱۹۹۸) الزامی شده بود ، را می توان با اشاره به محتوای کتاب ((راهنمایی دغدغه جرم ، بدون تاریخ) که برای حمایت از این برنامه تهیه شده بود ، خلاصه کرد . استدلال شد که رویکردها باید متناسب با وضعیت محلی شکل بگیرند ، اما به طور خاص تقریباً مشکلات ۲۰۰۰ محله مسکونی در بریتانیا با مشکلات زیر مواجه بودند :

۱-میزان جرم سه تا چهار برابر بیشتر از مناطق پیرامون است ؛

۲-سطوح بالای قربانی شدن مکرر ؛

۳-میزان بالاتر از حد معمول بی نظمی و رفتار ضد اجتماعی جوانان ؛

۴-میزان بالای وقوع مشاجرات محله ای و رفتار ضد اجتماعی توسط بزرگسالان ؛

۵-توزیع گسترده مواد مخدر و روسپیگری .

برنامه خاصی که در بریتانیا به خصوص در ارتباط با توصیه شکل گرفته است و در دهه ۱۹۹۰ به طور گسترده معرفی شده است ، تلویزیون مدار بسته است . اتکا به تلویزیون مدار بسته برای تامین امنیت با حمایت قاطعانه دولت از جمله حمایت مالی که هم اکنون نیز ادامه دارد ، در شهرهای کوچک و مراکز شهرهای بزرگ به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافته است ؛ برای مثال برنامه ای دولتی تحت عنوان ((هزاران دوربین از خیابانها فیلم میگیرند)). روزنامه ایندپندنت در تاریخ ۱۸ ژانویه ۲۰۰۰ از اعطای بودجه بیشتر دولت برای دوربین مدار بسته به مبلغ ۱۷۰ میلیون پوند در یک دوره سه ساله خبر داد .

فایف در کتاب ((پاسیون ، ۱۹۹۷ ، ص ۲۵۷)) رشد چنین طرح هایی در شهرهای کوچک و مراکز شهری را از دو طرح در سال ۱۹۸۷ به سی و نه طرح در سال ۱۹۹۳ و به حدود نود طرح در سال ۱۹۹۵ ثبت می کند .

براون (۱۹۹۵) اشاره میکند که این طرح ها به طور گسترده ای در شرایط خودشان موفق هستند و هردو تا حدی مانع از بروز جرم شده اند و کمک کرده اند تا بلافاصله پس از وقوع جرم مجرمان بازداشت شوند .

همچنین هانس و چارمن (۱۹۹۲) معتقدند استنباط مردم از این قبیل طرح ها (در حد گسترده ای) مثبت بوده است .

باز پرس پیرسون از اداره پلیس استرامکلاید ، وقتی که برای اعضای شورای شهر در مدرسه تابستانی برنامه ریزی شهری و کشوری در سال ۱۹۹۶ درباره تجربیاتش در رابطه با معرفی طرح تلویزیون مدار بسته در مرکز شهر آبردوری صحبت می کرد موضوع را این چنین تبیین کرد :

((احتمالاً مهمترین موضوع تاثیر بر رفتار اجتماعی بود . مردم احساس کردند که سرانجام چیزی سازنده در جامعه آنها در حال اتفاق افتادن است . همگرایی سازمان های دولتی مختلف ، سازنده تلقی شد ، و تامین امنیت برای اطمینان از مدیریت صحیح سیستم بعدها دیدگاه مردم را نسبت به سیستم بهتر کرد . حتی به نظر می رسید مجرمان حمایتشان را از تلویزیون مدار بسته نشان داده اند و گفتند که آزادی رفت و آمد آنها به دلیل حضور دوربین ها رعایت می شود ، افسران پلیس ، دیگر آنها را متوقف نمیکردند تا مطمئن شوند که آیا آنها در جرمی داشته اند زیرا دوربین ها مجرمان واقعی را شناسایی می کردند ، و اطمینان می دادند که آنها به درستی شناسایی شده اند و به دستگیری آنها کمک می کرد)) (پیرسون ، ۱۹۹۶ ، ص ۸۲)

طرح دیگری که توسط پلیس انگلستان ارایه شد معروف بود به ((شهر بیست و چهار ساعته)) که با ارایه و پیشنهاد این طرح سعی در کاهش جرایم از طریق بالابردن فعالیت اقتصادی و فرهنگی شهروندان بود . به این معنا بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ سعی در پیاده سازی ایده شهر بیست و چهار ساعته به عنوان وسیله ای برای احیای اقتصاد و ارتقای اقتصاد شبانه و در نتیجه افزایش سطح درآمد و رفاه شهروندان و پایین آوردن نرخ بزهکاری کردند . در این طرح به طور ضمنی یا آشکار به این باور رسیدند که افزایش و بالابردن سطح فعالیت بهترین راه انصراف از جرم است . در حالی که با مطالعاتی که در این عرصه انجام شده میتوان به این نتیجه رسید که این طرح کارایی لازم را ندارد چرا که افزایش فعالیت شبانه باعث میشود پلیس نتواند با حجم کثیری از بی قانونی که در این ساعات پایانی به وقوع می پیوندد ، مقابله کند . در انگلستان با اجرای این طرح اغلب با مصرف بی رویه الکل حادثه شده و کارایی پلیس در این زمینه کاهش یافته است .

روزنامه ایندپندنت به تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۰۰ ، تحت عنوان فوق العاده ی ((برنامه ریزان و پلیس ، مراکز شهر را به توده مشروبخواران تسلیم می کند)) تحقیقاتی را گزارش می کند که نشان میدهد این طرح در قسمت هایی از ناتینگهام ، منچستر ، لیورپول ، نیوکاسل ، لیدز ، هال و بیرمنگام به پدیده ای عادی بدل شده است . برای مثال ، مرکز شهر منچستر پذیرای سیلی از جمعیت ۷۵ هزار نفری در هر جمعه شب و شنبه شب است ((در مقایسه با ۳۰ هزار نفر در اوایل سال ۱۹۹۰)) ، و شهر گی ویلچ ، مقصد اصلی و ((کانون بحران درگیر و ضرب و شتم)) است . گزارش شده که پلیس گریت منچستر آخر هفته ها چهل افسر گشت پیاده در خیابان های مرکز شهر به علاوه پانزده افسر دیگر که در خودرو ها گشت می زنند وجود دارد و در مقایسه با ۳۲۰۰ نفر که در سال ۱۹۹۹ مامور ثبت شده پلیس بودند ((اگرچه فرض بر این است که تمام این افراد در یک زمان در حال انجام وظیفه نخواهند بود)) ؛ گفته می شود که کنترل موثر خشونت و مشکلات ناشی از خشونت و بی نظمی از پلیس به سیستم امنیتی خصوصی واگذار شده است (برنی و راس ، ۱۹۹۸ ؛ رادلین و فالک ، ۱۹۹۹ ، صص ۱۲۵-۴۶).

به گزارش (سازمان محیط ، حمل و نقل و مناطق انگلستان مورخ ژوئیه ۱۹۹۸ در بخش الف گزارش) :

((بحث درباره توسعه پایدار شهری در سالهای اخیر در بریتانیا ارتباط نزدیکی دارد با مباحث مربوط به نیاز های کشوری با حجم شهرنشینی بالا و نیازهای مسکن سازی جدید و ساخت و سازهای مربوط به آن برای برآوردن نیاز های جمعیت ، بدون توسعه بیشتر در حومه که به وارد شدن به مناطق روستایی در مقیاس کلان منجر می شود .))

در برخی مناطق این امر فرصتی برای توسعه شهری تلقی می شود تا به دلیل نسبت تراکم مورد نیاز اصول ((شهرنشینی جدید)) را عملی کنند . (رادلین و فالک ، ۱۹۹۷)

طرح نقشه های مسکن که هم اکنون در انگلستان در حال پیگیری است می تواند تاثیر عمده ای هم بر پیشگیری از جرم و هم بر بیگانه سازی ترس از جرم داشته باشد . بیشتر جرم ها فرصت طلبانه اند و اقدام بر اساس عقل سلیم می تواند یک منطقه را هم برای مردم و هم در ارتباط با صرفه جویی در هزینه جاری نیروی پلیس برای جلوگیری از ارتکاب جرم ، ایمن و کمک شایانی کند . (به نقل از سازمان محیط ، حمل و نقل نواحی انگلستان).

این طرح نتایج جالبی به قرار زیر در بر دارد :

- ۱- جرم وابسته به مخفی کاری است . خیابان ها و مکان هایی که زیاد مورد استفاده هستند یا دید دارند ، باعث می شوند که مجرمان احساس ناراحتی و در معرض دید بودن داشته باشند .
- ۲- مکان هایی که گمنام هستند و به آنها توجهی نمی شود ، معضلات درازمدتی به وجود می آورند. طرح نقشه ها سعی بر این دارد که تعریفی روشن و دقیق از مالکیت و مسولیت برای هر قسمت از ساختمان ارایه دهد .

نیروی ضربت شهری انگلستان به ریاست لرد راجرز ریورساید (نیروی ضربت شهری انگلستان ، ۱۹۹۹) مصرانه از دولت می خواهد که این طرح را جدی بگیرد با این استدلال که راهبردهای کاهش جرم تحت عنوان قانون جرم و بی نظمی سال ۱۹۹۸ ، باید شش اصل را محوریت خود قرار دهد :

- ۱- سیاست ها و رهنمود هایی که برای (طراحی با هدف پیشگیری از جرم) . (در اینجا عناصر کلیدی و مهم عبارتند از : خلق و ایجاد مناطق شاد و سرزنده با مکان های عمومی که به خوبی دید دارند ، خیابان های به هم مرتبط و وجود درها و پنجره های زیاد و رو به خیابان) .
- ۲- عملکرد مشترک بر اساس مداخله و همکاری چند نهاد و سازمان مرتبط با این امر .
- ۳- درگیر کردن ساکنان و کسبه در مبارزه علیه جرم .
- ۴- یافتن راه هایی در استفاده از احکام قانونی برای برخورد تا حد امکان ساده با انواع بخصوص جرایم و بزه.
- ۵- همسو و هماهنگ کردن خدمات محلی بافت اجتماع برای توجه به (کانون های متمرکز جرم) و تخریب گرایی و پاکسازی آنها از بافت جامعه .
- ۶- گسترش و جلب اطمینان عمومی مردم نسبت به پلیس . (گزارش جامع نیروی ضربت پلیس شهری انگلستان در سال ۱۹۹۹ با هدف پیشگیری از جرایم) .

نتیجه بحث مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان :

آنچه که از تمامی مباحث مطروحه در این عرصه عاید ما می شود این است که نظریات مربوط به چگونگی توزیع مناطق شهری ، و علی الخصوص مناطق مسکونی ((منظور دیدگاه هایی است که حکم دانش قراردادی را برای مدتی طولانی در انگلستان داشته اند)) اکنون در انگلستان معاصر و عصر جدید به چالش کشیده شده اند .

ملاحظات مربوط به پیشگیری از جرم و امنیت عمومی بخش مهمی از این مباحث را تشکیل می دهند و با این موضوعات نه به عنوان موضوعاتی مستقل بلکه به عنوان اساس و پایه و یکی از عناصر سازنده اندیشه مربوط به برنامه ریزی مناطق شهری برخورد می کنند .

لازم به ذکر است که در بخش ۱۷ قانون جرم و بی نظمی سال ۱۹۹۸ انگلستان وظیفه تازه ای را عهده دار ادارات برنامه ریزی محلی شان می کند تا به درستی از حداکثر توانایشان برای پیشگیری از جرم و بی نظمی استفاده کنند . و سرانجام این رابطه را مستحکم می سازد ؛ چرا که توجه را بر چگونگی تاثیر این قبیل موضوعات بر سیاست های طراحی و عملیات توسعه کاربرد نظارتی ، قرار خواهد داد .

به نقل از ((پاسکو و تاپینگ ، ۱۹۹۷)) البته باید اذعان کرد که یک مورد این چنینی ، در دهه ۱۹۹۰ بازسازی بخش های عظیم پروژه هولم در شهر منچستر بود که توجه انتقادی و غیر انتقادی قابل ملاحظه ای نسبت به آن ابراز گردید و در شکل دادن به بعضی ایده ها نقش مهمی ایفا کرد.

پروفسور ((هرمن گلدشتاین)) از بنیان انجام امور پلیسی جامعه محور ، اقداماتی را که باید برای واگذار کردن مسوولیت حل معضل از دوش پلیس به عهده نهاد های به وجود آورنده آن انجام شوند را به قرار زیر ذکر کرده است : ((اسکات ۲۰۰۵ ، ۳۱۵))

- ۱- اقامه دعوایی مدنی
- ۲- وضع قانون برای اجباری نمودن پیشگیری از جرم در نهاد های رسمی
- ۳- در نظر گرفتن هزینه ای ویژه برای ارایه خدمات پلیسی
- ۴- کنار گذاشتن خدمات پلیسی
- ۵- شرمند نمودن مردم

- ۶- ایجاد سازمانی جدید برای پذیرش مالکیت
 - ۷- درگیر نمودن سازمان های مرتبط با این عرصه از فعالیت
 - ۸- طرح و پیگیری نمودن مستقیم درخواست ها به ویژه درخواست های مدنی
 - ۹- اجرای برنامه های اجتماعی و آموزشی با هدف همگرایی و ایجاد ساختار و بنیان فرهنگی کارآمد . (اسکات ۲۰۰۵ ، ۳۱۵)
- البته لازم به ذکر است که در همین راستا ((برنامه حمایت از کودکان)) از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ میلادی با همکاری نهاد های اجتماعی و مدنی در کشور آلمان ، و همچنین ایجاد برنامه ((دیوانروسی)) در کشور بلژیک با هدف پیشگیری از جرایم و ایجاد ساختار فرهنگی و استحکام بخشیدن به بافت اجتماعی و اعتمادسازی متقابل نسبت به پلیس در بین شهروندان اجرایی شد . لازم به ذکر است که ارزیابی و سنجش هر دو برنامه ، نشانگر این مطلب بود که اجرایی کردن آنها موفقیت آمیز بوده و نتایج مطلوبی را در بر داشته است .

پلیس فرانسه و پیشگیری از جرایم :

زمانی که وقوع جرم نظم جامعه را مختل می کند ، جامعه هم متقابلاً نسبت به آن واکنش نشان می دهد ، فارغ از آنکه بخواهیم درباره فلسفه و شیوه های گوناگون عکس العمل های اجتماعی در برابر پدیده بزهکاری به بحث و گفتگو بپردازیم ، میگوییم مجازات در نظر گرفته شده برای مرتکب جرم یکی از شیوه های دفاعی جامعه در برابر واکنش یاد شده می باشد .

مراجعی که متصدی کشف و اثبات جرم هستند در حقوق فرانسه به دو قسمت کلی زیر تقسیم می شوند :

۱- مراجع کیفری به معنی خاص و محض آن

۲- دادگاه های کیفری

در حقوق فرانسه مراجع کیفری را به دو بخش پلیس قضایی و دادسرا تقسیم می کنند .

در این مطالعه آنچه مورد بررسی و توجه ما قرار می گیرد ، بخش مربوط به پلیس قضایی است که در سیستم حقوقی فرانسه وجود دارد .

در این ارتباط سعی بر این است نخست به تعریف و تبیین وظیفه پلیس قضایی در این سیستم حقوقی بپردازیم ، سپس تفاوت های موجود بین پلیس قضایی و پلیس اداری ، و در نهایت به تجزیه و تحلیل معایب و محاسن سیستم قضایی پلیس فرانسه خواهیم پرداخت .

الف) تعریف و تبیین وظیفه پلیس قضایی فرانسه :

ماده هشت قانون تخفیفات جنایی فرانسه اعلام می کرد :

پلیس قضایی ، جنایات و جنحه ها و خلاف ها را جستجو و کشف می کند ، دلایل و مستندات جرایم فوق را جمع آوری می نماید و مرتکبین آنها را به دادگاه هایی که مامور صدور حکم مجازات هستند تسلیم می دارد . (Art . code de instruction criminelle)

(8)

تعریف مزبور با ایرادات و نقایصی مواجه بود : از طرفی مرحله تعقیب جرم و تحقیق را هم به نوعی در بر می گرفت ، در حالی که مرحله پلیس قضایی رسیدگی های کیفری به طور کلی از مرحله رسیدگی های تعقیبی و تحقیقی (همان تحقیق مقدماتی) تفاوت کلی دارد . (instruction preliminaire)

پس از مرحله بررسی پلیس قضایی مرحله جریان یافتن دعوای کیفری و سپس مرحله تحقیقات مقدماتی و جستجوی دلایل و مستندات و بالاخره مرحله قضاوت است که بر طبق دلایل جمع آوری شده انجام می شود . در نهایت ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه ، ماده ۸ فوق را محدودتر ساخت .

ماده چهارده بیان می دارد :

(پلیس قضایی بر طبق مقررات این قانون موظف است که نسبت به بررسی و تایید واقعیت آن و نیز جمع آوری دلایل ارتکاب و دستگیری مرتکبین تا زمانی اقدام نمایند که اطلاعات مربوط به جرم هنوز کشف و آشکار نشده است و در صورتی که اطلاعات مربوط به جرم ، کشف و آشکار گردد ، آنان عهده دار انجام نیابتی خواهند بود که از طرف بازپرس به آنها رجوع شده است) . (code procedure penale Art 14 .)

می توان نتیجه گرفت که ماده چهارده تا حدودی تفاوت بین مرحله پلیسی رسیدگی های کیفری را با مرحله تحقیقات بازپرسی آن مشخص کرده است .

ب) تفاوت بین پلیس قضایی و پلیس اداری در سیستم قضایی فرانسه :

مفهوم پلیس اداری : (F.P.Benoit droit administratif Dalloz 1967.p.882)

پلیس اداری دارای دو مفهوم است : معنی گسترده آن عبارتست از برقراری و حفظ نظم عمومی که معمولاً از طریق تدوین و اجرای مقررات صورت می گیرد . (Paul caullet . cours de police . p.)

مفهوم مقید و خاص پلیس اداری سازمان و افرادی را دربرمیگیرد که متصدی جلوگیری از وقوع جرایم و اعمال خلاف نظم و تنظیم عبور و مرور می باشد . پلیس اداری را پلیس تامینی یا پلیس پیشگیری کننده نیز می نامند . (Benoit ; police revue)

قسمت عمده پرسنل پلیس قضایی فرانسه را اعضای پلیس اداری تشکیل می دهند ؛ به عبارت بهتر پلیس اداری دارای نوعی ثنویت وظیفه است یعنی یک کارمند و عضو پلیس اداری در عین اینکه وظایف خود را انجام می دهد ، در عین حال اگر در حیطه قلمرو او جرمی ارتکاب یابد او مداخله و ورود می کند و بر حسب وظایف و اختیاراتی که از طرف قانون گذار بر عهده او نهاده شده است ، نسبت به تحقیق جرم و جلوگیری از فرار متهم و جمع آوری دلایل و مستندات اقدام می کند . (فرمان مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۶۶)

به همین جهت است که در تفاوت کار و عملکرد پلیس قضایی و اداری گفته شده است که :

(وظیفه پلیس قضایی زمانی آغاز می شود که وظیفه پلیس اداری پایان یافته باشد) (Stefani et Levasseur p.p.p.208 ; Bouzat et Pinatel o.p. cit p . 1034 .Monsarrat ,Gaston, police mu nicipale et rurale 2 eed . pulisation (administrativues .P . 1948 .

پ) تجزیه و تحلیل ساختاری معایب و محاسن سیستم پلیس قضایی فرانسه :

محاسن سیستم پلیس قضایی فرانسه را می توان به قرار زیر دانست :

فرانسویان بر این عقیده و دیدگاه هستند که سیستم موجود حاصل قرن ها تلاش و کوشش و بحث و بررسی است و دربرگیرنده بهترین قواعدی است که جهت تضمین امنیت و آسایش اجتماعی و حقوق اجتماعی و حقوق فردی وضع و تبیین گردیده است . (Stefani et Levasseur . op . cit . p . 222)

معایب سیستم پلیس قضایی فرانسه به زعم اندیشمندان و متفکرین این عرصه به قرار زیر است :

اولین انتقاده مطروحه در این عرصه انتقاد بر اختلاط پلیس قضایی با پلیس اداری است : ادعا شده که اختلاط پلیس اداری و پلیس قضایی و تمرکز آنها در یک سازمان و زیر نظر یک مدیر مداخله بدون حق و ناروایی است که وظایف پلیس قضایی را دچار اختلال کرده است . (Officiers de police de la police Nationale .

پروفسور بوزا (Bouzat) رییس مجمع بین المللی حقوق جزایی و دیگران به این ایراد وارده چنین پاسخ داده اند که : ((اگر پلیس قضایی تابع دادسرا و وزارت دادگستری شود در این صورت سطح بازدهی کار تحقیقات پایین می آید و به تجسّسات مربوط به کشف جرم لطمه وارد می شود زیرا که وسایل و امکانات مادی وزارت دادگستری کمتر از امکانات وزارت کشور است و در نتیجه اقدامات مربوط به کشف جرم به کندی صورت می پذیرد و انتقاد وارد بر اختلاط پلیس قضایی و اداری صحیح نیست زیرا مامورین پلیس اداری همیشه بخاطر انجام وظایف مراقبتی و حفاظتی و تامینی اولین کسانی محسوب می شوند که با واقعه مجرمانه و شخص مرتکب جرم رو به رو می شوند و سریع تر از سایر مامورین صلاحیت دار وارد صحنه جرم می شوند بنابراین سلب اختیارات پلیسی قضایی از آنان بر قاعده حمایت جامعه در مقابل کج رفتاری مجرمان لطمه وارد می سازد .))

انتقاد بعدی وارد بر سیستم پلیس قضایی فرانسه مربوط به موضوع تعدد متوالی پلیس ها می شد :

بدین توضیح که تعداد بسیاری از پرسنل پلیس وابسته به وزارت کشور هستند (پلیس امنیت ملی ، پلیس پاریس) و تعدادی دیگر از آنها تابع وزارت نیروهای مسلح هستند ، و بالاخره تعدادی مطیع شهرداری ها (پلیس شهرداری) بنابراین حاصل چندگانگی پلیس پیدایش پراکندگی در فعالیت ها می شود و مهمتر از همه اینها این سیستم منشا بدبینی متقابل و موجب حسادت شغلی بین نیروهای پلیس میشود .

نتیجه گیری در ارتباط با سیستم پلیس قضایی فرانسه :

در نتیجه انتقادات و ایرادات مزبور نسبت به سیستم قضایی فرانسه منجر به اصلاحاتی شد از قبیل قانون شماره ۴۹۹/۶۶ مورخ ۹ ژوئیه ۱۹۶۶ که نهایتاً به موجب این قانون ، پلیس قضایی موجود قبل از ۱۹۶۶ یعنی سازمان پلیس قضایی تابع پرفکتور پلیس و سازمان پلیس قضایی وابسته به مدیریت امنیت ملی و بخش تابع واحدهای امنیت شهرها همگی در یکدیگر ادغام شدند .

نتیجه گیری و پایان بحث :

از مجموع مباحث مطرح شده در این پژوهش ، نتایج زیر شایان ذکر است :

سیاست جنایی اجرایی پیشگیرانه پلیس مجموعه اقداماتی است که پلیس برای پیشگیری از جرم و یا کاهش جرم در جامعه انجام می دهد . راس و پتر هومل (Ross and peter Homel) در مورد پیچیدگی ها و چالش های اجرای یک برنامه پیشگیری از جرم و همچنین در مورد فرآیندی که در طول آن طرح های با مقیاس کوچک ، اثراتی در مقیاس بزرگ ایجاد می کنند و بالاخره در مورد چگونگی کاستن از ضعف اثرات برنامه پیشگیری صحبت کرده اند و به این مطلب اشاره داشتند که در دنیای حاضر یکی از مولفه های ارزیابی امنیت در هر جامعه ای مهار و کنترل جرم و بی نظمی است . ارتکاب نیافتن جرم و از بین رفتن واهمه جامعه نسبت به جرم از ایدال های یک جامعه مرفعی محسوب می شود . نهایتا به دلیل عدم کارایی مطلوب و درماندگی سیستم عدالت کیفری در اکثر جوامع توسعه یافته و در حال توسعه ، به این نتیجه رسیده اند که باید با حفظ و تکامل شیوه مجازات ، قوای اصلی خود را معطوف به پیشگیری از ارتکاب بزه و جرم معطوف نمایند . حضور و همراهی پلیس در کنار آحاد جامعه کمک شایانی در کنترل جرم و تثبیت و جهش شیوه های پیشگیری از جرم خواهد داشت و نهایتا جامعه مدنی را تبدیل به جامعه ای کمال گرا و مرفعی خواهد کرد . تجارب حاصل از مطالعه و تحقیق در حقوق کشور های توسعه یافته و مرفعی این نکته را واضح و مبهرن می سازد که سازمان پلیس به تنهایی نمی تواند متکفل و عهده دار امر پیشگیری از جرم شود و همچنین نباید نسبت به این امر نگاهی سلسله مراتبی و از بالا به پایین داشته باشیم ؛ به عبارتی بهتر تک افراد جامعه در امر پیشگیری از جرم باید نگاهی پویا و سازنده داشته باشند ؛ حتی در کشورهای توسعه یافته و مرفعی جهت حصول به این امر اقدام به تاسیس و تشکیل ((پلیس محلی)) کرده اند . شاید به این خاطر باشد که نوع ارتکاب جرم از جامعه ای به جامعه دیگر به دلیل دخالت عوامل گوناگون فرهنگی و اقتصادی و ... متفاوت باشد ؛ نتیجتا این ایده تاسیس پلیس محلی چون با بافت محلی جامعه تعامل دارد و هر محله با محله دیگر از آن جامعه تفاوت هایی دارد ، پلیس محله که از بافت محله بیرون آمده است در پیشگیری از جرم تاثیری به سزا و شایانی احتمالا خواهد داشت .

پیشنهادهای وارد بر این عرصه :

به جرات می توان ابراز داشت که اولین و مهمترین اقدام برای پیشگیری از جرم ، قانونمند ساختن و استفاده از تجارب کشورهای موفق در این زمینه است و بومی سازی و اجرایی کردن شیوه های مرفعی پیشگیری از جرم در جامعه است . دیگر موضوع حایز اهمیت ، قانونمند ساختن اصول و شیوه ها و راهبرد های اجرایی است . سازماندهی و مدیریت محیط فیزیکی یکی از مولفه هایی است که می توان برای گسترش پیشگیری از جرم در جامعه ، از آن استفاده کرد . جهت انجام و پیشبرد اهداف مورد نظر در این خصوص ، برنامه ریزان و متولیان باید با پلیس ، سایر متخصصین ذی ربط و حقوقدانان و مردم و سازمانهایی که در جامعه اجرای ابتکار عمل های پیشگیری از جرم حضور دارند ، همکاری کنند . در این خصوص لازم به نظر می رسد که نهادهایی مستقل با کارکرد پیشگیرانه از جرم باید در جامعه شکل گرفته و از سوی حکومت مورد حمایت قرار بگیرد .

فهرست منابع :

- ایاذری فومشی، منصور، (۱۳۸۷)، مبسوط در ترمینولوژی اصطلاحات کیفری، انتشارات اندیشه عصر.
- ابراهیمی، شهرام، (۱۳۸۸)، مجموعه رویه های بین المللی پیشگیری از جرم، تهران: انتشارات میزان.
- برناربولک، (۱۳۸۷)، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، چاپ هشتم، انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد.
- بتولی، محمد، (۱۳۸۷)، نقش و تعامل معاونت اجتماعی ناجا در مشارکت عمومی، همایش ملی پلیس و پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری.
- بیات، بهرام (۱۳۸۶)، فراتحلیل آسیب های اجتماعی، معاونت اجتماعی.
- بیات، بهرام (۱۳۸۷)، پیشگیری از جرم با رویکرد جامعه محور، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی.
- ترویانیوچ، رابرت و بوکرو، بانی (۱۳۸۳)، پلیس جامعه محور، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا، چاپ اول، تهران: فرات.
- جندلی، منون، درآمدی بر پیشگیری از جرم: تعاریف، تاریخچه، رویکردها و دورنما، ترجمه شهرام ابراهیمی، بنیاد حقوقی میزان.
- چلبی، مسعود؛ روزبهرانی، توران، (۱۳۸۰)، نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان (باتکیه بر نظم در خانواده)، مجله شناخت، پژوهشنامه ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۹، بهار.
- رجبی پور، محمود، (۱۳۹۱)، پژوهشی در مبانی پیشگیری اجتماعی رشد مدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم.
- دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد، (۱۳۹۴)، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، چاپ اول، زمستان، انتشارات میزان.
- دنیس، روزبتم، (۱۳۸۰)، پیشگیری از جرم، ترجمه حمیدرضا جیبی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۰)، لغت نامه جلد هشتم، تهران: چاپخانه مجلس.
- ستوده، هدایت، (۱۳۸۱)، آسیب شناسی اجتماعی، جامعه شناسی انحرافات، انتشارات آوای نور.
- شرفی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، راهبردهای پلیس در پیشگیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری فاتب.
- صدیق سروسستانی، رحمت الله، (۱۳۸۷)، پیشگیری از جرم با رویکرد جامعه شناختی، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، چاپ اول.
- علی نژاد، منوچهر، (۱۳۸۷)، رویکردهای نظری نسبت به مساله پیشگیری از جرم، فصلنامه امنیت و نظم، شماره چهارم، سال اول، زمستان.
- عبدی، نرگس، (۱۳۸۷)، پیشگیری از جرم با رویکرد جامعه محور، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، اداره کل مطالعات اجتماعی.
- کاری یو، روبر، مداخله ی روانشناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتار های مجرمانه، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی (۱۳۸۱)، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ی ۳۵ و ۳۶.
- کپوزی، دیوید، آرگراس، داگلاس، رهیافت هایی به پیشگیری، ترجمه ی محمود مهدوی، (۱۳۸۶)، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۵.

کی نیا ، مهدی ، (۱۳۷۰) ، مبانی جرم شناسی جلد اول ، تهران ، دانشگاه تهران .

کی نیا ، مهدی ، (۱۳۹۵) ، مبانی جرم شناسی جلد دوم ، تهران : دانشگاه تهران .

گسن ، ریمون ، (۱۳۷۰) ، جرم شناسی کاربردی ، ترجمه مهدی کی نیا .

گل محمدی خامنه ، علی ، (۱۳۸۵) ، پی جویی انتظامی ، معاونت آموزشی دانشگاه علوم انتظامی .

لی کاک ، گلوریا ، (۱۳۸۶) ، پژوهش برای پلیس : چه کسی به آن نیاز دارد ؟ ، مترجم : احسان جنابی و مجید رضایی راد ، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ، سال دوم ، شماره دوم ، بهار .

محمد نسل ، غلامرضا ، (۱۳۸۶) ، ((بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم)) ، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ، شماره سوم ، سال دوم ، تابستان .

محمدی اصل ، عباس ، (۱۳۸۳) ، اختلالات کارکردی خانواده ، مدرسه و گروه همسالان ، و تاثیر آن بر بزهکاری نوجوانان ، فصلنامه مطالعات جوانان ، شماره ششم ، بهار .

کلانتری ، محسن ، (۱۳۸۶) ، شناسایی و تحلیل کانون های جرم خیز شهری ، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ، شماره دوم ، سال دوم ، بهار .

محمد نسل ، غلامرضا ، پلیس و پیشگیری از جرم ، تهران : انتشارات پلیس پیشگیری و معاونت آموزش ناجا .

مقیم ، مهدی ، (۱۳۸۷) ، تکرار بزه دیدگی و راهکار های پلیسی پیشگیری از آن ، اولین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم ، تهران : انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری .

میرخلیلی ، سید محمود ، (۱۳۸۸) ، پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام ، قم ، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه .

محمد نسل ، غلامرضا ، (۱۳۸۷) ، پیشگیری انتظامی از جرم ، انتشارات پلیس پیشگیری و معاونت آموزش ناجا .

هاستینگس ، رس ، (۱۳۸۷) ، ((دورنمای پیشگیری از بزهکاری ، مسایل و چالش ها)) ، مترجم شهرام ابراهیمی ، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ، سال سوم ، شماره هفتم ، تابستان .

فولادچنگ ، محبوبه ، (۱۳۸۵) ، نقش الگوهای خانوادگی در سازگاری نوجوانان ، مجله خانواده پژوهی ، سال دوم ، شماره ی هفتم .

فرجیها و دیگران ، (۱۳۸۷) ، ((بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم ، ساختار و سازمان پیشگیری از جرم)) ، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ، سال دوم ، شماره چهارم ، پاییز .